



قرارداد تشکیل جمهوری سرخ و اسارت‌نامه‌ی ۱۹۱۹

فریدون نوزاد

□ بررسی رویدادها و تجزیه و تحلیل قراردادهای و مقاله‌نامه‌ها نباید جنبه‌ی ذوقی و درک فردی داشته باشد، و باید در ترازوی منطق و نظرات اجتماعی سنجیده شود تا معیار درست و قابل قبولی فراچنگ آید، چون معیارهای فردی، اکثراً گمراه‌کننده و ناشایست خواهد بود، بویژه اگر این معیارهای نادرست به اختیار نسلی قرار گیرد که حضور ذهنی به زمان رویداد نداشته و در بوته‌ی غش‌سوز بازخوانی اصولی و کنجکاوی دقیق خلوص نیافته باشد، تحریف‌پذیری را عین واقعیت و حقیقت را تشکیک پندارد، این‌جاست که: (نه بر مرده، بر زنده باید گریست.) و من این تفهیم را در مقاله‌ی (نگاهی دیگر به قرارداد ۱۹۱۹) نویسنده‌ی محترم مندرج در صفحات ۱۸ تا ۲۱ ماهنامه‌ی بهمن ۱۳۸۸ حافظ دیدم.^۱

در این مقاله مردم ما ناآگاه به مواد قرارداد و بی‌خبر از محتوای آن معرفی شده‌اند، در حالی‌که این تفکر و پنداشت ابداً قابل قبول نیست، از

لحظه‌ی که ایران‌دوستان شریف به متن قرارداد دست یافته و آن را به اختیار مردم ما نهادند، به صورت خودجوش و یک‌صدا، نه تحت رهبریتی، فریاد مخالفت در سراسر ایران بلند شد و واژه‌ی (نه) سهمگین‌تر از دماوند بر روی آن افتاد، چگونه می‌توان چنین ملتی را ناشناخته از متنی دانست که آن را نخوانده و ندیده باشد؟

این قرارداد در بی‌شماری از جراید زمان، در خبرنامه‌های ژلاتینی، در شبنامه‌ها چاپ و نشر یافته و مردم به درستی می‌دانستند، انگلستان چگونه می‌خواهد سرزمینی کهن را ببلعد، عاقد قرارداد می‌باید برای موجه نشان دادن خود و عمل شومش، آن‌چنان نظری ارائه دهد، اساساً کمیته‌ی مجازات چگونه و برای چه کسانی به وجود آمد، اعمال چه افرادی به تروریست‌ها قدرت و جرأت ایجاد هراس و آشوب بخشید؟

انصاف را عامل بدبختی و تفرقه‌افکنی اگر خود دولتمداران نبودند

پس کی‌ها بوده‌اند؟ آیا انگلستان برای وصول به اهداف مصیبت‌بار شومش جز ایجاد فتنه و فساد و آشوب برای ایران چه می‌خواست؟ اگر او به توسط ایادی ایرانی اوضاع نابسامانی به وجود نمی‌آورد چگونه می‌توانست و حتی به خود جرأت می‌داد که خریدنامه ایران که در هیچ موقعیت و زمان قابل خرید و فروش نبوده و نیست و به جاودان هم نخواهد بود، در نهم اوت ۱۹۱۹ به روی میز نخست‌وزیری بکوبد و بهای چهارصد هزار تومانی را به جیب گل و گشاد رییس‌الوزرا تف نماید؟

اگر ملت ایران ناآگاه بوده است و انکار درک مفاد قرارداد را به گفته نویسنده‌ی بزرگوار درست هم بدانیم، حداقل از نامه‌ی تقبیح وزارت امور خارجه‌ی آمریکا،^۲ بی‌خبر نبود، زیرا آن دولت یا به تظاهر و خودنمایی و یا دلسوزی به خاطر مردم ما با بوق و کرنا، گوش‌ها را پر نمی‌کرد و فهم‌ها را متوجه نمی‌ساخت.

من از خواننده‌ی محترم این مقاله تمنا می‌کنم با مراجعه به متن قرارداد

۱۹۱۹، صادقانه و شرافتمندانه بفرمایید از کدام حرف و واژه آن می‌توان دفاع نمود و بوی دوستی و احترام به شرف ملی استشمام کرد و فردی قاضل و دانشمند و سیاست‌مداری چون حسن وثوق (وثوق‌الدوله) را در انعقاد آن حداقل گناهکار نشناخت؟

آیا درست است که به جای معالجه‌ی سریع و دقیق انگشت پای مبتلا به شقاق‌لوس هر دو پای مبتلای به آن را تا زانو قطع کنیم؟ و آیا قرارداد ۱۹۱۹ وثوق آن‌اره پولادین و سنتی برنده نیست و نبود که به هستی استقلال مملکت نشسته بود؟ شگفت‌آور این‌که نویسنده‌ی بزرگوار خیزش‌های مردم‌دوستانه‌ی میرزا کوچک و کلنل محمدتقی پسیان و دیگر ملیون ایرانی را منسوب به تحریکات روسی می‌کند و بدین‌گونه به جای درست کردن ابرو، چشم جامعه‌ی را کور می‌نماید، و متاسفانه اگر بگویم حضرتشان شناختی درست به این دو نهضت بزرگ نداشته و ندارند، پر بیراه نگفتم، برای نشان دادن چهره‌ی پاک میرزا و شفافیت و پاکی نهضت ملی جنگل، توضیح مختصری را ناگزیرم.

درست است که میرزا ندای «حکومت جمهوری سرخ» در داد، درست است که علیه دربار و دولت به پای خاست، درست است که به خاطر آزادی و عدالت مردم و نگاهداشت

استقلال به شدت لرزان و در معرض نابودی ایران، قیام مسلحانه کرد، ولی باید پذیرفت این همه جانفشانی‌ها و پذیرش بد و بیراه حکومتگران و ایادی آن‌ها و اعمال سیاسی وطن‌خواهانه، برای جلوگیری از یکه‌تازی ایادی آن‌ها، خود را به آب و آتش زد، به خاطر رفع ناهنجاری‌ها و ایران‌خواری انگلیس و روس، سکوت و سکون را نپذیرفت، دست ردی بر سینه‌ی پر کینه‌ی نامحرم شد، کرد آن‌چه را که می‌باید به خاطر ایران و قوم ایرانی می‌کرد.

نیازی به اثبات مطامع انگلیسی‌ها نداریم، بی‌آن‌که روس‌ها بویژه تزارسیم را از این توقع پلیدانه تطهیر کنیم، ولی درست در لحظه‌ی حساس شروع بلع ایران، تزارسیم روسیه به فروپاشی آن چنانی نشست، جانشینان تزارسیم، یعنی کمونیست‌ها، اگرچه آتش همان آتش و کاسه همان کاسه بود، لیکن برای استقرار کامل خود نیاز به تغییر رفتار و گفتار داشت، می‌باید قول و قراردادهایی براساس احترام متقابل و حقوق مسلم همسایگان می‌داد که از همان آغاز، لغو کلیه‌ی قراردادهای تحمیلی تزارها، بازپس دادن اموال بازرگانان و بخشش قروضی که شاهان قاجار روی دست ایران گذاشته بودند، و واگذاری کلیه‌ی تاسیسات تجارتي که در کشور ما داشتند را تعهد نمود و دوستی جامعه‌ی مهربان و شریف ما را خواستار گردید. این ندا را همه‌ی

ایران‌دوستان با جان و دل شنودند و با خوشحالی تمام پذیرا گشتند. وثوق‌الدوله یا دیگر ایران‌مدارانی که باید مفهوم ندا را دریابند و سریعاً از همان آغاز کار، اجرای آن را بخواهند و بدین وسیله مشتی جانانه بر دهان مدعیان، بویژه انگلیسی‌ها بکوبند، بنا را به بوک و مگر گذاشتند و این تنها میرزا کوچک جنگلی و نهضت بی‌رنگ و ریای جنگل بود که با درک حقایق فرصت را از چنگ نهشت، به منظور بازپس گرفتن حقوق مشروطیت ایران از قاجاریان مورد حمایت روس‌ها، از فرزندزادگان عباس میرزا که پس از آن همه بهادری و آزادمنشی خود را به خاطر ابقای سلطنت در خاندان خویش تحت حمایت روس‌ها کشیده و بدنام نمود، اعلام جمهوری در داد، اما نه به آن صورتی که نویسنده‌ی بزرگوار نشان داده است، بلکه با چنین قرارداد شرافتمندانه‌ی...

۱- عدم اجرای اصول کمونیزم از حیث مصادره‌ی اموال و الغاء مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات.

۲- تاسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت.

۳- پس از ورود به تهران و تاسیس مجلس مبعوثان، هر نوع، هر نوع^۳ حکومتی را که نمایندگان ملت بپذیرند.

۴- سپردن مقدرات انقلاب به دست این حکومت و عدم مداخله‌ی روس‌ها در آن.

۵- هیچ قشونی بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران، زاید بر قوای موجود (۲۰۰۰ نفر) از روسیه وارد نشود.

۶- مخارج این قشون به عهده‌ی جمهوری ایران است.^۴

۷- هر مقدار مهمات و اسلحه که از بلشویک‌ها خواسته شود، در مقابل پرداخت قیمت تسلیم نمایند.

۸- کالاهای بازرگانان ایران که در بادکوبه ضبط شده تحویل این حکومت شود.

۹- برگزار کردن کلیه‌ی موسسات تجارتي روسیه در ایران به این حکومت.^۵

بدون هیچ تفسیر و توجیهی - شما را به خدا حتی اگر می‌توانید نکته‌یی از این قرارداد را علیه منافع ایران و جامعه‌ی آن نشان بدهید، بنمایید و صاحب این قلم را به شرمندگی بکشانید، آیا می‌توان با در دست داشتن چنین مدرک مسلمی میرزا کوچک را یاور و دست‌نشانده و مورد حمایت کمونیست‌ها معرفی کرد؟ مردی که نه تنها اسلام در بطن او ریشه داشت، بلکه در مرکز مذهب تعلیم یافته و در کسوت روحانیت رشد و نمو کرده بود و اگر به هنگام مبارزات سیاسی از خود خلع کسوت کرد، باز هم نمایشگر اعتقادات عمیق او به مذهب بود.

باورداشت‌های میرزا آن‌چنان بود که حتی کاراخان معاون وزیر امور خارجه‌ی روسیه ساویتی در تلگراف خود به راسکولینکف و اورژائینکیدزه

قاطعاً اعلام می‌دارد:

«۲۳ مه ۱۹۲۰-۱۳۱، مطلق سَرّی تمایل کوچک‌خان از تاسیس دولت ساوتی ایران و کمیته‌ی مرکزی اشتراکی که مایل است این قوه را در دست بگیرد، باید با کمال احتیاط در احتیاط، در تحت نظر گرفته شود، از احساسات ایرانی‌های رشت و انزلی نمی‌شود احساسات تمام ایرانی‌ها را فهمید. بایستی رنجبران را با بورژوازی دموکراتی متحد کرده به اسم آزادی ایران بر ضد انگلیسی‌ها شورانید که آن‌ها را از ایران خارج کنند، طبیعتاً باید جنگ بر ضد انگلیسی‌ها و مامورین دولتی که طرفدار انگلیسی‌ها هستند ادامه داده شود، لازم است کوچک‌خان و اشتراکیون و دسته‌جات دموکراتی دیگر را بر ضد انگلیسی‌ها و دولت را متحد کرد... الخ»^۶

این تلگراف به خوبی بیان می‌کند میرزا در رده‌ی بورژوازی دموکراتی قرار دارد نه رنجبران که عدالتی‌های قفقاز به گیلان و ایران تحمیل کرده بودند، میرزا کوچک اصل، و اشتراکیون ایران، پرداخته و خام پخته حیدر عمواوغلی تروریست، فرع قضیه‌اند که باید بین‌شان اتحادی ایجاد کرد، از این‌ها که بگذریم نویسنده‌ی بزرگوار از واژه‌ی سرخ متأسفانه برداشت درستی ننموده و آن را با کمونیستی اشتباه گرفته است، و همین اشتراکیون خود فروخته‌اند که به کوتاه مدتی علیه میرزا و قرارداد فوق کودتا می‌کنند، و آن حکومت سرخ را ایجاد می‌کنند که در

پندار نویسنده‌ی محترم است. با این کودتا میرزا که مقدمات اصلاحات و تسخیر تهران را تهیه دیده بود به اعماق جنگل بازمی‌گردد.

من اگر از میرزا دفاع می‌کنم، از مظلومیت فوق‌العاده، آزادمندی، صفا، استقلال‌طلبی، مردم‌دوستی، تنهایی و اشک‌های پاک مردی قهرمان دفاع می‌کنم که هنوز شخصیت والای او شناخته شده نیست، هنوز ابعاد مردم‌دوستی و وطن‌خواهی او شناخته نشده و هنوز می‌خواهند اعمال مردم‌دوستانه‌اش را به هر حال موجباتی برای قرارداد ۱۹۱۹ و تطهیر وثوق‌الدوله معرفی کنند، مردی که برای جامعه‌ی ما امیرکبیر پیشین و مصدق پسین می‌توانست باشد و ایران را به شمار ملل راقیه درآورد.

پی‌نوشت‌ها

۱- این مقاله به قلم آقای حسن نراقی به رشته‌ی تحریر درآمده و به نظر می‌رسد نیت ایشان تطهیر وثوق‌الدوله و لزوم عقد قرارداد ۱۹۱۹ به شرح زیر بوده است: «نظر به روابط محکمه دوستی و مودت که از سابق بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است، و نظر به اعتقاد کامل به این‌که مسلماً منافع مشترکه و اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام می‌نماید و نظر به لزوم تهیه‌ی وسایل ترقی و سعادت ایران به حد اعلی بین دولت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلی‌حضرت

پادشاه انگلستان به نمایندگی از دولت خود از طرف دیگر، مواد ذیل مقرر می‌شود:

۱- دولت انگلستان با قطعیت هرچه تمام‌تر تمهیداتی را که مکرر در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران نموده است، تکرار می‌نماید.

۲- دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصصی را که برای لزوم استخدام آن‌ها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد، این مستشارها با کنترات اجیر و به آن‌ها اختیارات متناسبه داده خواهد شد - کیفیت این اختیارات بسته به توافق بین دولت ایران و مستشارها خواهد بود.

۳- دولت انگلیس به خرج دولت ایران صاحب منصبان و ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه‌ی متحدالشکلی که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد، عده و مقدار ضرورت صاحب منصبان و ذخایر و مهمات مزبور به توسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه‌ی مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد شد.

۴- برای تهیه‌ی وسایل نقدی لازمه به جهت اصلاحات مذکوره در ماده‌ی ۲ و ۳ این قرارداد، دولت انگلستان حاضر است که یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آن را بدهد، تضمینات این قرض به اتفاق نظر دولتین از عایدات گمرکات یا عایدات دیگری که

در اختیار دولت ایران باشد تعیین می‌شود، تا مدتی که مذاکرات استقرایی مذکور، خاتمه نیافته دولت انگلستان به طور مساعده وجوهات لازمه که برای اصلاحات مذکوره لازم است خواهد رسانید.

۵- دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تامین و توسعه‌ی تجارت و جلوگیری از قحطی در مملکت می‌باشد حاضر است که با دولت ایران موافقت نموده اقدامات مشترکه ایران و انگلیس را راجع به تاسیس خطوط آهن یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق نماید، در این باب باید قبلاً مراجعه به متخصصین شده و توافق بین دولتین در طرح‌هایی که مهم‌تر و سهل‌تر و مفیدتر باشد حاصل شود.

۶- دولتین توافق می‌نمایند در باب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیته که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدیدنظر نموده و با منافع حقه مملکتی و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نمایند. امضا شد در طهران ۹ اوت ۱۹۱۹ (دکتر محمود افشار مجله‌ی آینده، سال نخست، شماره‌ی ۱۲ مه‌ماه ۱۳۰۵، صص ۷۷۶-۷۷۷)

۲- پس از چاپ و نشر قراردادنامه‌ی ۱۹۱۹ ابلاغیه‌ی وزارت خارجه در موضوع قرارداد ۱۹۱۹ که در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۱۹ از طرف سفارت آمریکا در طهران به نام ملت ایران منتشر شده:

طهران - سفارت آمریکا - دولت اتازونی به شما تعلیم می‌دهد نزد زمامداران و اشخاص علاقمند این مساله را تکذیب

نمایید که دولت اتازونی از مساعدت نسبت به ایران امتناع ورزیده است، آمریکا همواره علاقه‌ی خود را برای سعادت ایران به طریق بسیار اظهار و ابراز داشته، نمایندگانی که از طرف دولت اتازونی در کمیسیون صلح پاریس عضویت داشته‌اند، مکرر کوشش و مجاهدت کرده‌اند، سخنان نمایندگان ایران را در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند.

نمایندگان آمریکا متعجب بودند چرا مجاهدت آن‌ها بیش از این به تقویت و مساعدت تلقی نمی‌شود، لیکن اکنون معاهده‌ی جدید معلوم می‌دارد که به چه علت امریکایی‌ها قادر نبودند سخنان نمایندگان ایران را به اصفا برسانند و نیز معلوم می‌گردد که دولت ایران در طهران با مساعی نمایندگان خود در پاریس مساعدت و تقویت کافی ننمود.

دولت اتازونی معاهده‌ی جدید ایران و انگلستان را با تعجب تلقی می‌نماید. معاهده‌ی مزبور معلوم می‌دارد با وصف آن‌که نمایندگان ایران در پاریس علناً و موکداً طالب مساعدت و همراهی آمریکا بودند ایران از این به بعد مایل به کمک یا تقویت آمریکا نمی‌باشد. (دکتر محمود افشار، مجله‌ی آینده، سال نخست، شماره‌ی ۱۲ مه‌ماه ۱۳۰۵، صص ۷۷۹)

۳- در متن دوبار آمده است.

۴- برای مسجل بودن اجیری نیروهای رزمنده آمده است.

۵- البته از همان زمان این ماده اجرا نشد.

۶- کاملاً جدایی میرزا را از اشتراکیون ثابت می‌کند.